

موضوع: پیچیدگی های تربیت جنسی

خانم دکتر مسلمی: با یک سؤال شروع می کنم تفاوت تربیت جنسی با آموزش جنسی چیست؟

آقای محمدی: تعاریف مختلف است. آقای دکتر فقیهی متعرض شدند بعضی تعاریفی که از آموزش ارائه می دهند در واقع همان تربیت جنسی است ولی چیزی که مشهور است آموزش جنسی روابط خاص بین همسران است ولی دامنه تربیت جنسی بسیار گسترده است. ما به تعریفی رسیدیم تحت عنوان تعلیم و تربیت جنسی، معتقدیم تربیت جنسی در چند مرحله در آموزه های دینی مطرح شده از قبل از تولد، انتخاب همسر که در آیات و روایات اشاره شده آیه الطبیات و الطیبین از اینجا شروع می شود قبل از انعقاد نطفه یک مرحله بحث خودسازی والدین در تربیت جنسی فرزندان تاثیر دارد. در هنگام انعقاد نطفه، در دوران بارداری و به هنگام تولد در دوره کودکی اول و کودکی دوم، بلوغ و دوره ازدواج که این را در ده مرحله بررسی کردیم.

خانم دکتر مسلمی: من هم موافقم بحث تربیت جنسی عمیق تر و کلی تر از آموزش جنسی است. آموزش جنسی به معنای اخص بحث روابط جنسی و سایر موارد آنرا در بر می گیرد. من در بخش کاربردی کردن پژوهشها در آموزش کار کردم. دو سال است که با موجی یا سونامی خیانت خانمها روبرو شدیم که یک بخش در صمیمیت ها است که خانم شاید زبان عشق لمس را بیشتر دارد و مردها این را نمی دانند، در بحث تربیت جنسی هر کسی وظیفه مربوط به خود را دارد از رسانه که باید در تربیت جنسی کار کند تا آموزش و پرورش و حوزه علمیه، همین بحث عفاف و حجاب شاید ما ارتباط آن را با تربیت جنسی متوجه نشویم. با توجه به عمقی که دین ما دارد این بحث از زمان انتخاب همسر شروع می شود. بعد از انتخاب همسر انعقاد نطفه است. مثلاً بچه ۹ ماهه ای را آوردند که با پوشک خودش رفتارهایی شبیه خودارضائی دارد، رفتارهای خود تحریکی، هیچ توجیه علمی برای آن نداریم. ما که پایه اعتقادی داریم قطعاً می دانیم زمان بستن نطفه خیلی می تواند موثر باشد، کسی که خودسازی انجام داده و کسی که همین طوری یا گاهی در حال دیدن فیلم های مستهجن رابطه زناشویی برقرار می کند، خیلی مهم است. زمان ها هم جای خود دارد و در طب اسلامی مزاجها، و تاثیر زمان و اجرام سماوی که بر انسان دارند بحث شده است. بعد از این مراحل دوران بارداری، حتی ارتباط جنسی پدر و مادر در دوران بارداری اینکه از ۷ ماهگی به بعد با توجه به اینکه جنین قدرت شنوایی دارد اهمیت دارد که

ارتباط جنسی در سکوت باشد. زمانی باشد که جنین حرکتی ندارد. از این مسائل تا زمانی که بچه به دنیا آمد از پوشک کردن، و نوع تمیز کردن بچه که مادرها وسواس هایی دارند در تمیز کردن، چیزی که من را به تربیت جنسی رساند چون گرایش دکترای من سکس تراپی است. برای خیلی از اختلالات جنسی که در بزرگسالی می خواهیم برای زوجین درمانی انجام دهیم عملاً درمانی امکان پذیر نیست، مخصوصاً بحث پاراکلینیک که بر می گردد به اختلالات جنسی، اینها به دوران بلوغ مربوط می شود. من زمانی کلاسهایی برای بلوغ داشتم مادرها سؤال می کردند ما چکار کنیم با بعضی حالت هایی که پسر ما نسبت به ما دارد، احساس می کنیم وقتی ما را بغل می کند تحریک می شود. این مسائلی است که شاید به دلیل تابو بودن عنوان نکردیم ولی وقتی عنوان می شود می بینیم که خیلی زیاد هم در این مورد می پرسند. وقتی می بینید بعضی پسرها بازوی مادرشان را لمس می کنند، یک بخش آن بر می گردد به زمانی که بچه را از شیر گرفتند. با روشهای سنتی که صبر زرد می زنند لفل می زنند، بچه را ناگهانی از شیر گرفتند. به نوع در آغوش گرفتن ها، زبان عشق بچه ها در تئوری دلبستگی بیشتر قبل از سه سالگی شکل می گیرد و اهمیت تماسهای پوستی و لمسی را نشان می دهد که یک بخش عمده اش در زمان شیر خوارگی است. فرض کنید بچه ساعتها به بهانه شیر خوردن در بغل مادر بوده مثلاً شش وعده در روز شیر می خورده، یک دفعه او را جدا می کنند. در پروسه علمی حداقل دو تا سه هفته طول می کشد که یک بچه را بتوان از شیر گرفت، وعده ها کم می شود و به مرور این دلبستگی که به لمس و آغوش مادر بوده کم شود تا به اضطراب منجر نشود. اضطراب یکی از مسائل اصلی در شکل دهی مشکلات جنسی است و باعث تداوم آن می شود از رفتارهای خود ارضائی گرفته تا بیش فعالی جنسی، متأسفانه ما با اضطراب بچه ها آشنا نیستیم. مابین رفتارهایی که ایجاد اضطراب می کند از جمله از شیر گرفتن، یبوست های عصبی که بچه ها دارند و گرایش های جنسی شان می توان ارتباط برقرار کرد. یکی از سئوالات پدر و مادرها این است که بچه ما دارای یبوست است. شروع تربیت جنسی قطعاً از خانواده است. درست است که مربیان خیلی تاثیر گذارند و بحث دوستان و هم سالان مهم است. همیشه افراد، گرایشات خاصی به سمت بعضی دوستان دارند. اما انتخاب دوستان نیز مرتبط با گرایش خانواده است یک وقت با تایید خانواده و یک وقت با انکار ارزشهای خانواده. اگر تربیت جنسی به معنای خاص آن حل شود در بخشهای دیگر شاید نگرانی نداشته باشیم. یکی از مشکلات امروز، نبود مسئولیت پذیری در خانم ها و آقایان است. این یک بخش از تربیت جنسی است. در تربیت جنسی از دوره کودکی نوجوانی و جوانی اینکه جنسیت خودش را بشناسد و بپذیرد، این تا قبل از ۵ سالگی اتفاق می افتد. نقش پذیری مذکر یا مونث بودن و... در تربیت جنسی مطرح است. آداب مربوط و خط قرمزها در روابط هم جنس یا غیر هم جنس هست، آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده و نهایتاً وظیفه همسری و نقش جنسی که اهمیتهش از کسی پوشیده نیست. دانشگاه یزد در تحقیقی که انجام داده بود اعلام کرد ۷۰ درصد

طلاقها به نحوی به این رابطه جنسی مربوط می شود وقتی زوجها مراجعه می کنند مشخص می شود اختلالی ندارند و با یک سری آموزشهای روانشناسی مشکلشان حل می شود. در جامعه ما این اعتماد کردن های روشنفکر مآبانه جالب است در منابع غربی آمده از سه تا سه و نیم سالگی، شما(والدین) در نوع لباسی که در منزل می پوشید احتیاط کنید. اما در جامعه خودمان، فردی به من می گفت در خانه فقط اینکه اندامهای جنسی پوشیده شود کفایت می کند در حالی که در دین ما بحث حجاب محارم را داریم. اگر آموزش دهنده ها رویکرد عمیق تری داشته باشند خیلی از مسائل حل می شود. مثلاً بچه از دو و نیم سال به بعد سعی شود با هم جنس به حمام برود، آموزشهایی که به بچه داده می شود از دو و نیم سالگی که در حمام بگویند بدن تو خصوصی است نباید کسی دست بزند. در سن دو و نیم سالگی حتی در آغوش جنس مخالف قرار گرفتن اگر دختر در آغوش پدر می خواهد باشد نوع لباسش و چقدر زمان باشد مهم است. در یکی از منابع نوشته بود نهایتاً ۵ تا ۱۰ دقیقه باشد و خیلی تماس پوستی نباشد. به اعتقاد ما، آنها زمینه دین اسلام را به این شکل ندارند بعد می بینیم در همان کشورها نسبت به لباس پوشیدن بچه های مهد کودکی سخت گیری هایی می شود. در سن ۸ و ۹ سالگی وقتی به خانواده ها می گوئیم فکر می کنند این مسائل به نوع خاصی از خانواده ها مربوط است می گویند: من تا حالا ندیدم عمو یا پدر بزرگ کودک مسائل خاص (غیر اخلاقی) با بچه پیدا کنند، باید باور کنیم که این گونه هست. بعضی از ما نیز درگیر وسواس های شدید شدیم، از سنین کودکی به بچه می گوئیم مواظب باش از هر مردی که دیدی فاصله بگیر ممکن است بخواهد بلائی سر تو بیاورد، فکر نمی کنیم که ممکن است ما یک دوره موفق را طی کنیم بدون اینکه اتفاقی بیافتد ولی بعد از ازدواج چه اتفاقی می افتد؟ آقایانی را می بینیم که خانمهای ارزشی و مقیدی دارند با تمام ارزشهای دینی برای یک زن، اما مساله ارتباط جنسی که جزء وظایف شرعی است این خانم از این مساله شانه خالی می کند یا زار زار گریه می کند می گوید من نمی دانم چه حالی دارم فقط بعد از ارتباط جنسی ساعتها گریه می کنم. باید بدانیم که رابطه جنسی درهایی به سمت ناخودآگاه باز می کند در خانههایی که پدرها ساعت های زیادی کار می کنند **پسرهای خاله زَنک** زیادی داریم. آقایانی که نقش های مردانه ندارند حساسیت هایی که باید داشته باشند ندارند. وقتی روانشناسی زن و مرد را می خوانید می بینید اسلام می گوید یک مرد سالم یک ویژگی های خاصی باید داشته باشد و یک خانم همین طور، پسرهای ما چون به دلیل ساعات کاری طولانی پدران، آنان را نمی بینند یا وجود پدرانی که احساس می کند لازم نیست کاری انجام دهند، این پسر با مادر و خاله و عمه بزرگ می شود که این ویژگی ها را دارد. چقدر از دختر مراقبت کردیم به اسم دختر ولی یادمان رفته همین دین تاکید کرده با دختر یک نوع برخورد کنید با پسر نوعی دیگر، هدیه را اول به دختر بده، او را نوازش کن، ولی در محدودیتها یادمان هست تو دختری و او پسر است. اینها تاثیر دارد در اینکه دختر جنسیتش را بپذیرد یا نه. بعدها می گوید کی گفته من

باید آشنایی کنیم؟ تنها گذاشتن بچه ها مسئله ایجاد می کند. دستکاری هایی که بچه ها می کنند موقعی منجر به کشف لذت جنسی می شود. یا اینکه پدر و مادر نمی داند اگر پسر بچه را می خواهند ختنه کنند اهمیت دارد کجا می برند، جایی که معتبر نیست مراجعه نکنند، چون اشکال هایی که ایجاد می شود باعث کشش های پوستی می شود بچه اذیت می شود دست کاری می کند در همین حال خود ارضائی را کشف می کند. کمتر پیش می آید که بچه رابطه والدین را دیده یا فیلم دیده باشد، نه، اغلب این طور اتفاق افتاده یا بحث عفونت های تناسلی دخترها، خانم هایی را داریم که انزجار جنسی دارند به خاطر اینکه بر می گردد به دوران کودکی شاید در آن دوران عفونت ادرار زیاد داشته، (یا بحث اختلالات من می بینیم مخصوصا خانمهای ارزشی ما دلایل خیانت شان بحث انحراف جنسی است که به دوران کودکی برمی گردد). خانمی می گوید من با شوهر خاله ام ارتباط دارم برای اینکه خانم مازوخسیم جنسی دارد دوست دارد مورد آزار قرار گیرد می خواهد همسرش این کار را بکند و او نمی کندرفته سمت شوهر خاله و احساس کرده او سادیسم جنسی داشته این دو با هم تطبیق پیدا کردند. وقتی می دیدم روابطی که بین مادر زن و داماد، بین عروس و پدر شوهر، اینها برای من عجیب بود وقتی ریشه یابی می شود می رسد به تربیت جنسی، در بحث اخلاق هم به بحث لباس پوشیدن می پردازیم تربیت جنسی این قدر عمیق و گسترده هست که به تمام اینها ورود داشته باشد.

آقای داوودی پور: آیا تربیت جنسی را در مدارس باید آموزش دهیم یا خیر و توسط چه کسی باید این کار انجام شود؟ بعضی از دانش آموزان کنجکاوی هایی دارند با آنها چگونه برخورد کنیم. عده ای از دانش آموزان اطلاعاتی دارند به این علت که در خانه تنها هستند یا با افرادی ارتباط داشتند و اینها را به دیگران منتقل می کنند.

خانم دکتر مسلمی: اینکه تربیت جنسی در مدارس باید باشد یا نه؟ در سن بلوغ شاید ولی اگر بخواهیم اصولی کار کنیم در گذشته والدین ما شاید لازم نبود با ما در مورد مسائل جنسی حرف بزنند به لطف خدا به انحراف هم کشیده نشدیم اما والدین امروز حتی اگر بچه، سئوالی هم از او نمی پرسد باید از ۹ یا ۱۰ سالگی به سئوالهایی که احساس می کند فرزندش دارد پاسخ دهد در اینجا اگر این مسائل مطرح نشود مصداق حجب و حیای غلطی است که در حدیث پیامبر اکرم (ص) آمده است. باید پدر و مادر وارد بحث شوند و صحبت کنند ولی در مورد مدارس، حساسیت ویژه ای دارد. برای دخترها ۹ تا ۹.۵ سالگی، بسته به نوع ژنتیک، آب و هوا و شرایط جغرافیایی در این مورد اهمیت دارد و برای پسر ۱۱ سالگی، شاید در این آموزشها فهم قاعدگی برای دختر به مراتب راحت تر باشد تا بحث احتلام برای پسر، چون خود ما حس بدی داریم و خیلی سخت است عنوان کردنش در هر صورت این آموزش از طریق والد هم جنس باید اتفاق افتد. اگر والد هم جنس می بیند توانائی ندارد به

نحوی عصبی می شود، بعد می گوییم یکی از نزدیکان قابل اعتماد ترجیحا مجرد هم نباشد از آن گزینه که گذشت مربیان مدارس خیلی خوب هستند اما چند مربی کاربلد در مدارس دارید؟ به فرض اینکه به این نتیجه برسیم در مدارس هم باید اتفاقی افتد ولی تضمینی هست به جای اینکه کار درست انجام دهند خرابکاری نمی کنند؟

حجت الاسلام و المسلمین صادقی: ما مدافع این نبودیم که عمده آموزشها در مدارس باشد اما اعتقاد بود که یک نفر از هر مدرسه را آموزش دادن این راحت تر است از آموزش به والدین، یعنی در هر مدرسه، یک نفر را آموزش دهیم و او به دانش آموزان آموزش ها را منتقل کند اما والدین علیرغم اینکه در خیلی موارد اطلاعات هم داشته باشند یک جاهائی نمی توانند مسائل را به دلیل حجب و حیا مطرح کنند. حالا ما این معلم یا مربی را آموزش دادیم یا تعهدش را سنجیدیم از کجا معلوم که او خودش آسیب نزند در حالی که آسیب هایی که توسط پدر یا مادر وارد می شود خیلی نادر است. اصلا آیا آسیبی هم توسط مادر انجام می شود؟

خانم دکتر مسلمی: ما در منابع می بینیم ۹۰ درصد زنانی محارم توسط پدرها انجام می شود ولی در مورد مادرها به این شکل نیست. یعنی شاید ندانم کاریها باشد تا اینکه یک مادر رفتار آسیب گونه داشته باشد. در بحث آمادگی های بلوغ و سوء استفاده جنسی هم در حد بچه های ابتدائی خیلی مختصر باشد. تربیت جنسی هم باید و نبایدهایی دارد. می گوییم هر چه بچه سنش کمتر است قاطعیت کلام باید بیشتر باشد و شوخی کمتر، واکنش اصلا نشان داده نشود. وقتی در زمینه مسائل جنسی می خواهند با بچه های کوچک صحبت کنند بهتر است یک شرایط خاصی باشد مثلا می خواهیم خصوصی بودن بدن بچه را آموزش دهیم در حمام در حال شستن بدنش به او می گوییم چه بدن قوی داری و چقدر خوب تو سالمی والبته باید مراقب خودت باشی، در مورد پسرهای جایی که با مایو پوشیده می شود در مورد دخترها هم همین طور به اضافه سینه و اندامهای جنسی این آموزش را در حد دو یا سه جمله برای مراقبت، بعضی وقتها ممکن است یک کلاس به این اسم تشکیل شده باشد یا با عنوان کردن مداوم این مسائل چیزی که به ذهن بچه نمی رسد هیچ، حتی ما ذهن او را آلوده می کنیم.

آقای دکتر سعیدی: شما به طور مشخص با انیمیشن کومل موافق هستید یا خیر؟

بسته به گرایش بچه دارد و اینکه چقدر ذهنش را درگیر می کند. نمی شود برای همه یک نسخه پیچید چون با روان آدمها روبرو هستیم. شاید بهتر این باشد از دوستانی که در این زمینه ها کار می کنند بخواهیم، مطابق فرهنگ خودمان یک کاری ارائه شود. دختر خود من ده یازده ساله بود که این را دید یک ترسی به او وارد شد که ممکن است کسی این چنین باشد خودش باعث شد حس بدی پیدا کند. در مورد آموزش حواستان باشد

حتی می تواند مربی به شکل آموزش هم عنوان نکند از آناتومی ساده و روان شروع کند بعد بگوید حالا اگر کسی بخواهد به بخش خصوصی بدن شما دست بزند شما بهتر است چکار کنید. یک بازخوردی بگیریم ببینیم بچه ها در چه فازی فکر می کنند بعد آموزش مفصل تر دهیم. خیلی عجیب است در یکی از مدارس سرشناس مشهد مراجعینی دارم که بچه ها در مدارس این اطلاعات را می گیرند چون از یک قشر مرفهی هستند که آزادیهای خاصی دارند. در مدارس روی این اصل اول باید بازخورد بگیریم در تمام سئوالهای جنسی بچه ها باید پیشینه بگیریم، چه شد این سؤال را پرسیدی؟ از بچه اطلاعات بگیریم، بر اساس دانسته هایش بگوییم. فرض کنید از نحوه درست شدن بچه سؤال دارد یا سئوالهایی که از من می پرسند چی می شود بچه از شکم مادر متولد می شود بعد شبیه پدرش می شود، والد می ماند چه بگوید بد نیست توپ را به زمین خودشان انداخت، یک وقت می بینید بچه چیزهایی دیده یا شنیده، قانون دوم، دروغ نباید بگوییم. اگر بخواهیم دقیق کار کنیم مقوله متفاوتی است اما در کلاسهای عمومی اول بازخورد بگیریم بعد بر اساس آن به شرط اینکه شرایط مهیا بود شاید بشود این انیمیشن را نشان داد ولی به صورت کلی مخصوصا دختر بچه هایی که زمینه قبلی داشته باشند که الان بالقوه است و می تواند بالفعل شود هر کسی می تواند آسیبی به من برساند. ما بنا نداریم ترس نسبت به جنس مکمل را در ذهن بچه ها جا بیندازیم قرار است حریم را یاد دهیم نه ترس را، ما نمی توانیم کلاس تربیت جنسی برای بچه ها بگذاریم چون به مشغولیت ذهنی بدل می شود. این کار از این جهت سخت است که نمی توانیم یک مربی را به عنوان این کار تربیت کنیم نمی شود باید همه مربیان ما در خلال کارشان مهارتهای زندگی را هم آموزش دهند. این کار در دوره دبیرستان که بلوغ و کشش های جنسی که بچه ها دارند بهتر است به سمت کلاسی برود که بچه ها دغدغه هاشان را بگویند و بر اساس آن تدابیری قرار دهیم. بچه های ما خیلی زود درگیر شدند، چند روز پیش مراجعی داشتیم، یک بچه سیزده ساله فکر می کنم، اطلاعات جنسی اش کمتر از اطلاعات جنسی من نبود! از نوع سئوالهایی که می پرسید. یا به بچه هایی که در این سن هستند می گویم: بچه ها چه سئوالهایی هست که نمی توانید از کسی بپرسید بیاییم در مورد آنها صحبت کنیم. بعد با این شرط بچه ای که در خانواده ای هست که من کاملا مطمئنم که اینها ماهواره ندارند از من در مورد رابطه جنسی احوال سؤال می کند من خودم هنگ کردم، گفتم بچه کلاس چهارم چنین چیزی می پرسد؟ از کجا؟ می گوید دوستهای من در مدرسه می گفتند ما دوست پسر داریم و چنین اتفاقی بین ما رخ داده، در این مسائل باید با آن بچه و گروهی که درگیر شدند کار کرد. باید گروه را جدا کنیم چون در مورد این مساله اطلاعاتی پیدا کردند و ما اصلا مجاز نیستیم مساله به این خاصی که در زمینه خاص طرح می شود این را در جلسه عمومی مطرح کنیم. در این زمینه ها فقط باید گروه درگیر شده را مد نظر داشت. ما وقتی بخشهای خصوصی بدن را مطرح کنیم بچه می داند اگر هم کلاسی او خواست مشکلی برای او داشته باشد چه کاری انجام دهد، در تربیت جنسی

قانونی داریم، نه برو بگو، یعنی سریع بگو نه، بعد از آنجا برو و به ما بگو، حال که این را دانست چقدر او با من احساس امنیت می کند. رازداری در بحث والدین خیلی اهمیت دارد. اگر بچه به یکی از والدین اعتمادی کرد حتی سؤال جنسی پرسید ما حق نداریم بدون اجازه بچه به آن والد دیگر منتقل کنیم حتی اگر دختر بچه از آقایان سؤالی پرسید نباید طرف دیگر مطلع شود. ما ناچاریم چه بچه سؤال کند یا نه خودمان وارد این عرصه شویم.

خانم اسفندیاری : ما این سؤالات را در مهد کودکیها هم مشاهده می کنیم، بچه به مربی می گوید من وقتی می روم دست احمد را می گیرم لذت می برم. چون فرهنگ خانوادهها عوض شده و القائاتی از رسانه منتقل شده، من به عنوان یک مادر اینجا در قبال این بچه کوچک چه عکس العملی را باید داشته باشم.

خانم دکتر مسلمی: برای بچه پیش دبستانی، یکپاز چیزهایی که جزو ممنوعیت های تربیت جنسی است بحث سهل انگاری در پاسخ دادن به سؤالات بچه ها است. اما بعضی مواقع که یک بچه کوچک می پرسد من خوشم می آید از این لازم نیست ما واکنشی نشان بدهیم اول اینکه در چهره نشان دهید که من تعجب نکردم، گاهی بچه پذیرش را می خواهد. این به معنای تایید نیست. بعدا بحث تغافل و تدبیر است، تربیت ۹۰ درصد تغافل است چون بچه در سن پیش دبستانی به بعد از آن سن باید گرایش پیدا کند به سمت هم جنس های خودش او را ببرید به این سمت که بهتر است تو با هم جنس خودت بازی کند یا شتر دیدی ندیدی، اما در مورد ارزشهای خانواده اگر قرار است مطلبی گفته شود این است که بگوییم دوست پسر خوب نیست. بعضی اوقات بچه سؤالاتی می پرسد یک چیزی شنیده مانند وسائل پیشگیری مردانه آن کلمه را می پرسد، قرار نیست همه چیز را برای بچه باز کنیم. تربیت جنسی به شدت به سن و پیشینه فکری وابسته است.

آقای دکتر صابری فتحی : یک بحث سونامی را در مورد خیانت همسران مطرح کردید و بیان داشتید این به تربیت جنسی دوران کودکی برمی گردد اما یک بحث دیگر این است اگر این گونه فکر کنیم دیگر شاید نتوانیم برای مشکلات راه حلی پیدا کنیم پدر و مادر یک اشتباهی انجام می دهد اگر این را در نظر بگیریم شاید علیت را نتوانیم بدست آوریم. فکر می کنم یک سری خطاهایی در جامعه امروز پدید که برمی گردد به شبکه های ماهواره و تلویزیون به طور عام که گاهی همین عشق بچگی را در تلویزیون نشان می دهد که دو نفر همدیگر را در کودکی می خواستند و حالا که بزرگ شدند با هم ازدواج می کنند. اینها را من به عنوان عواملی که باعث بالا رفتن آگاهی ها می شود می دانم . یک بچه که حرفی را می زند هر چند در خانه موردی را ندارد ولی شنیده از هم سن و سالان چون آنها این آگاهی را بدست آوردند. مثل بچه ها در زمان مدرسه زود سرما می خورند چرا

چون از دیگران به او سرایت می کند و عامل دیگری که زیاد شده شبکه های اجتماعی است. اینها ارتباطی را ایجاد کرده که بدون حیا و خجالت حرفه‌هایی را می نویسد که نمی تواند به زبان بیاورد. این بالا رفتن آگاهی و سهل الوصول شدن ارتباطات، در خانه ممکن است ماهواره نباشد ولی اینترنت که هست و برای اینها هیچ فکری نکردیم. در کنار این انحرافات جنسی به وجود می آید عامل عمده آن تاخیر در ازدواج است این باعث می شود آگاهی که بچه ۸ ساله نباید داشته باشد بدست می آورد و از طریق شبکه اجتماعی به اشتراک گذاشته می شود. این به صورت سونامی سر برآورده، نکته دیگر عدم تمایز بین جنسیت و جنس در کشورهای شرقی مثل ماست. در کشورهای غربی اینها متمایز هستند، ولی در کشور ما تقریباً همه چیز به دید جنسی در آمده اگر چارچوبی درست کنیم و این شبکه ای کردن و همه چیز را به هم ربط دادن باعث می شود ندانیم راه حل چیست. در بحث آسیب های جنسی، به بچه ها در همین سنین ۷-۸ سالگی کهبیشتر سوء استفاده جنسی از بچه ها می شود اگر خانواده بتواند محافظت کند خیلی خوب است ولی ما دیدیم در خانوادهها این توانائی ها روز به روز کمتر می شود یک دلیل اینکه پدر از صبح تا شب در خانه نیست، مادر سرکار می رود یا به هم ریختگی فرهنگی که وجود دارد در خانواده هایی که ظاهراً متمدن هستند ولی از لحاظ فرهنگی ضعیفند چطور می توان یک بخش از این آموزش را به آموزش و پرورش منتقل کرد در دبستان ها این آموزش خیلی محدود به بچه ها داده شود که در مواقعی که در حال خطر هستند بتوانند اول خود را نجات دهند و بعد به والدین و مربیان انتقال بدهند.

خانم دکتر مسلمی: ما یکی از چیزهایی که در تربیت جنسی داریم حریم آموزشی است و این شد که من سونامی خیانت را مرتبط کردم به تربیت جنسی و معتقدم باید شفاف برخورد کنیم و در حیطه های خاصی، اما تربیت جنسی و آموزشهای این چنینی یک شمشیر دو لبه است و خیلی کار با آن سخت است ما در مدارس نمی توانیم از حد آموزشهای خصوصی بودن بدن بالاتر برویم آن هم باید با اطلاعات سنجی که بچه ها چقدر می دانند باشد و حتی گروهها را کوچک تر کنیم ولی اینکه این مقوله را در سطح وسیع آموزش دهیم اثر مخربی دارد. شاید از فروید حرف زدن خیلی خوب نباشد ولی پشت حرفهای ایشان تحقیقاتی بوده ما در درمان اختلالات جنسی می بینیم طرف فکر می کند فلانی به او این حس را داشته می گوید اغلب این موارد تصور توهم است. با توجه به اینکه چنین چیزی را در بچه ها دیدم که تصوراتی در ذهن شان شکل می گیرد کافی است یک بچه زمینه داشته باشد و ما در این آموزش افراط کنیم این به جایی می رسد که توهمات که بچه دارد را دامن می زند که زمینه ساز اختلالات جنسی است روی همین اصل، مربی حتی زمانی که این آموزش را داد در چهره اش نباید واکنشی داشته باشد باید یک بی تفاوتی باشد. در ارتباطات فقط ۷ درصد از طریق کلام پیام

منتقل می شود. در تربیت جنسی بدن حالت صورت و لحن کلام، (نقش دارد) ما خیلی مواقع پایه کار را درست نگذاشتیم. خود این فرد را به لحاظ اضطراب بررسی کنیم که در چه سطحی است؟ آیا در مقابل سؤال تغییری در چهره اش ایجاد نمی شود، ممنوعیت ها و اصول را بداند و بر طبق آن می تواند درست عمل نماید.

آقای دکتر باقری : ما در یک سمت کودک والد و مربی را داریم به نظر می رسد اگر می خواهیم آموزش به کودکان بدهیم این دو بخش دیگر یعنی والد و مربی را در مدرسه از نظر فکری پشتیبانی نمائیم نقش مربی در مواقعی که کودکان دچار آسیب می شوند این است که کودک را راهنمایی نماید که به چه کسی مراجعه کند یکی از مراجع او پدر و مادر است. یک سری مفاهیم در تربیت دینی ما جنبه های زیر بنائی دارد آن مفهوم حیا است، اگر کودک در خانواده با مصادیق حیا آشنا بود چون بعضی از رفتارهای پدر و مادر در خانه توام با حیا نیست لذا اگر چتر حیا را برای کودک در نظر بگیریم با اتکا بر عزت نفس و کرامت او این تاثیر خودش را خواهد داشت. در روایات انواع حیا بیان شده حیا از مردم، از خود و ... پست ترین نوع حیا از دید حضرت امام صادق علیه السلام حیا از مردم است تا با این مبنا کودک در فضای عمومی بعضی کارها را انجام ندهد. و دیگر بحث حیا از فرشتگان است بچه ها با این مفهوم ارتباط خوبی دارند در قرآن از فرشتگان کرام برره یاد شده چون نکته مهم احساس حضور یک ناظری است که ممکن است حتی او را نبیند. لذا بحث کرامت نفس و عزت نفس در خانواده و کودکان باید بیشتر اهمیت داده شود.

خانم دکتر مسلمی : در بحث حیا برای پاسخ دادن به سؤال جنسی بچه ها بعضی معتقدند وقتی او سئوالی را پرسید یک واکنشی نشان دهید که بچه احساس حیا داشته باشد که این آموزش غیر مستقیم حیا باشد. من مشاهده کردم وقتی بچه متوجه شد که "شاید حرف بدی زدم که والد من واکنشی نشان داد" این حالت بچه را رها نمی کند و ذهنش درگیر است که من حرف بدی زدم و من موافقم بحث حیا باشد ولی حیای عاقلانه و نادرستی که در احادیث هست به خاطر این است که ما حیای درست را نداریم وقتی از خانم سؤال می شود حیای درست تو با همسرت چگونه است این آموزش را نداریم. در خانواده ارزشی این عالی است که حیای از فرشتگان را بدانند ولی در کنار آن لطافت های دیگر دین را باید ببینند. کار به اینجا می رسد که دینی که من از آن حرف می زنم در رفتارهای من از آن خبری نیست و بعد می بینیم بچه خانواده های خیلی مقید رفته به سمتی که اصلا نمی توان او را مهار کرد.

حجت الاسلام والمسلمین صادقی : آیا در منابع امروز معتقدند باید با رویکرد دینی وارد این مباحث شد یا نه تربیت دینی را باید کنار گذاشت؟

خانم دکتر مسلمی: باید با هم باشد نمی توان عمقی که در نگاه دینی هست را نادیده گرفت که روانشناسی این را مطرح می کند صحبت این است گاهی ما از دین حرف می زنیم ولی دین مدار عمل نمی کنیم طبیعی است این حرف زدن از دین شبیه طنز می شود. ما باید علوم جدید را با نگاه دینی تلفیق نمایم. وقتی نوجوان من از حسی که نسبت به جنس مخالفش دارد حرف می زند من نمی گویم حرفش را نزن میدانی چه گناهی دارد می گویم درست است ما هم در این سن چنین حسی داشتیم ولی این آگاهی علمی را دارم بچه الان در سنی است که این روحيات را دارد. شما مشاهده می کنید وقتی یک دانشگاهی مطلبی را بیان می کند شنوندگان خواب شان می برد و از طرفی گروه دیگر که توانائی ارائه مطالب را دارند در جزئیات آشنا نیستند.

سرکار خانم اسفندیاری: الان خانواده ها بار علمی را دارند (تحصیل کرده هستند) ولی توان معنوی خیلی کمی دارند اگر خانواده ها به این آگاهی علمی و معنوی دست پیدا کنند آیا آسیب کم نمی شود.

خانم دکتر مسلمی: شاید والدین مدارک تحصیلی بالایی دارند ولی مهارت‌هایشان خیلی کمتر از والدینی شده که حکیم بودند در نسل های قبل، به مراتب آنها ارزشمند تر عمل می کردند. شاید باور نکنید ما با قشر تحصیل کرده در بعضی چیزها بیشتر مشکل داریم چون تصور هست که ما می دانیم. من با دو عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی صحبت می کردم می گفتند خط قرمزها در خانواده ما خیلی قوی است و در دیدن ماهواره مثلا بچه من شبکه من و تو را نگاه می کند که هیچ نوع رابطه جنسی را نمایش نمی دهد و بعد وقتی می خواهی توضیح دهی که ماجراهای دیگری پشت این هست می بینی یک آدم عامی به مراتب راحت تر قبول می کند. در این مورد باید با همه از پایه شروع کرد. یک پژوهشی بود بچه هایی که کمتر و دیرتر وارد انحرافات جنسی شده بودند در آن بچه های درس خوان و خانواده هایی که به تکالیف بچه ها رسیدگی می کنند دیده می شد. در ابتدا باید والدین اهمیت آموزش را احساس کنند چون آنها در کلاس شرکت نمی کنند حرف بیشتر از عمل وجود دارد.

حجت الاسلام والمسلمین صادقی: اگر ما دوره های تخصصی حرفه ای خوب را برای والدین تشکیل دهیم چند درصد شرکت کننده داریم؟

آقای داوودی پور: در هند هر مدرسه ای به شعاع ۹۰ کیلومتر خانواده ها را تحت پوشش دارد هم زمان با شروع مدرسه کلاسهای آموزش خانواده سازمان یافته تنظیم شده و برگزار می شود و تاثیر خودش را روی دانش آموزان می گذارد ولی اینجا استقبال نمی شود چون احساس نیاز ندارند می گویند ما تحصیل کرده هستیم.

حجت الاسلام والمسلمین صادقی: اینکه والدین انگیزه لازم را ندارند چون آموزش دقیق نبوده، آموزش باید هدفمند باشد.

آقای مهندس مهدوی: بنده با گروهی از فرزندان در ارتباطم که مصداق اتم آسیب دیدگان جنسی هستند. آنها هم در پیشینه زندگی و هم قبل از تولد بچه های ضعیفی هستند و ایام کمی هم که در خانواده ها هستند از بی مبالاتی های جنسی والدین و روابط نامشروعی که با آن مواجه بودند آسیب ها را پذیرفتند حتی در سنین کودکی و بعد شرایط زندگی دور از خانواده این معضل را مضاعف می کند. بعد بچه ها در ارتباط با اجتماع آگاهی های جنسی بالایی پیدا می کنند که زمینه آسیب ها را مضاعف می کند. در این شرایط که فرزندان ما این آسیب های جنسی را به واسطه همان مشکلات دیدند سؤال من ناظر به جنبه های مراقبت جنسی است. آنچه ما در مراکزمان انجام می دهیم که قائل نیستم این خود بدون آسیب باشد، ما محدودیت ارتباط و تعاملاتی را برای بچه ها ایجاد می کنیم که به آسیبها دامن می زند حتی در دیدن برنامه های تلویزیونی حساب شده است ما نیرویی داریم برنامه ها را ضبط می کند، اینکه بچه ها خودشان را در معرض یک محدودیت جدی می بینند و متفاوت از دیگر بچه ها محدودیت استفاده از فضای مجازی، استفاده از گوشی موبایل این نبایدهایی است که بکار می بریم حال ممکن است اینها را در زندگی شخصی خودم هم بکار ببرم. در بحث جنبه های ایجابی ایجاد دل مشغولی های جدید که جایگزین حدودی می کند که اینها در تصورات شان دارند. اینها مهارتهای عملی است که انگیزه درآمد زایی و اعتماد به نفس را در بچه ها ایجاد می کند. این را کافی نمی دانم و به نظر شما این محدودیت ها می تواند آسیب زا باشد و در جنبه های ایجابی چه توصیه هایی دارید؟

خانم دکتر مسلمی: آیا اینها بچه هایی هستند که از ارتباط جنسی نامشروع یا محارم بدنیا آمدند یا کسانی هستند که مورد سوء استفاده بودند؟

آقای مهندس مهدوی: این احتمالات پیش فرض است ممکن است در بعضی موارد شواهدی داشته باشیم ولی یک دست نیستند اینها بچه های بی سرپرست و بد سرپرست هستند. ما می دانیم ۹۹ درصد این بچه ها صحنه های مستهجن را لااقل از طریق فیلم دیدند، در حالی که کوچک بودند زمانی که سه سال داشته در مرکز ما آمده رفتارهایی را می بینیم که مشخص است او چیزهایی را دیده چه دختر و چه پسر،

خانم دکتر مسلمی: چندان غیر طبیعی نمی دانیم که بچه ها در سنین دو سه سالگی شروع می کنند به کشف اندامهای جنسی خود این حالات چه بچه دیده باشد یا ندیده باشد طبیعی است، بچه زیر هشت سال اگر رویتی داشته باشند کاملاً برداشت شان با بچه ای که راهنمایی یا دبیرستان است فرق می کند و اثر ذهنی اش هم

متفاوت است. بچه سن پائین بحث جنسی را بیشتر به شکل یک آزار می بیند اصلا در تصورش لذت نیست بیشتر نفرت ایجاد می شود. اگر بچه ای که دیده با آن کسی که ندیده با هم باشند شاید آسیب را برای بچه سالم زیاد کند قطعا در آن شرایط لازم است خط قرمزها تعیین شود، در غیر این صورت انتخاب بین بد و بدتر است. اگر بتوانند سؤال بپرسند یک نفری که بتوانند با او ارتباط خوبی داشته باشند اهمیت دارد. اگر بچه ای در سن سه یا چهار سال موردی را دید با او روبرو نمی شویم که چه دیدی مدتی شبها پیش او می روی و قصه تعریف می کنی تا آن کم رنگ بشود. یک چیزی در آسیب شناسی ها در همه اختلالات روانی داریم کسی که صحنه ای را دیده حتما به این مساله دچار می شود چون ممکن است یک بچه در یک خانواده با یک ژنتیک یکسان باشند هر دو یک چیز را ببینند در هر بچه یک جور اثر دارد این برمی گردد به خلیات بچه، خیلی عوامل دخیل است. در سن نوجوانی بچه ای که درگیر خودارضائی است راهکار این است که این بچه باید درگیر یک سری فعالیت های دیگر شود. مخصوصا در بین پسرهایی که در نوجوانی خودارضائی بیشتر دارند توصیه شده درگیر مسائل مالی بشوند.

آقای دکتر باغلی: یکی از مسائلی که در حوزه تعلیم و تربیت داریم من عنوان برخورد منفعلانه با جریان تربیت به آنمی دهم. من از مخالفان تمرکز در ابعاد خاص تربیتی هستم این تمرکز ما در حوزه خاص می تواند آسیب زا باشد. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که آدمها اغلب معنای زندگی به معنی اینکه تولید کننده شور زندگی برای آنها باشد ندارند، یعنی بچه ها در مدرسه از درس خواندن لذت نمی برند، بزرگترها از کار کردن لذت نمی برند احساس رشد نمی کنند، اینها زمینه ساز جریانی است. ما در تربیت یک حوزه کنترل داریم و یک حوزه تحرک، ایجاد حرکت و نشاط در زندگی، ما چون آن قسمت را نداریم مجبور شدیم قسمت کنترل را خیلی فربه کنیم و این منتهی شده به اینکه برخوردهای ما عموما منفعلانه است. اگر در مدرسه یک فضای نشاط آور و متحرکی را ایجاد کنیم و دانش آموز با احساس معنا در مدرسه حضور پیدا کند یک سری از این مسائل مطرح نمی شود و باید یک سری خلاها کم شود. اتفاقا در خانواده های مرفه وجود یک سری امکانات تحریک کننده همین حوزه ها است. میزان کاربرد فعل نکن خیلی بیشتر از افعال مثبت است بنابراین حتی در خانواده های مرفه چون این نگاه وجود دارد نقشه راه زندگی وجود ندارد. خیلی مواقع امکاناتی که در اختیار فرزندان قرار می دهیم برای رها شدن از دست اوست، موبایل را به اومی دهم برای اینکه من بتوانم کار خودم را انجام دهم. در دانشگاه هم در بین دانشجویان همین موضوع وجود دارد حرفهای ما را گوش نمی کنند ولی هزار و یک کار دیگر انجام می دهند.

خانم دکتر مسلمی: من هم موافقم در بعضی موارد با بزرگ نمائی بیش از حد کار را خراب می کنیم و گاهی با نادیده گرفتن.